

«مرحوم طبرسی» در «مجمع البیان» از امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه چنین نقل می کند: «ان ذلک یكون عند خروج المهدی فلا یبقی احدا الا اقر بمحمد (صلی الله علیه و آله و سلم)» وعده ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی از آل محمد صورت می پذیرد، در آن روز هیچکس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می کند.

و نیز در همان تفسیر از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده که فرمود: «لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدر و لا وبر الا دخله الله کلمة الاسلام» «بر صفحه روی زمین هیچ خانه ای باقی نمی ماند نه خانه هائی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه هائی که از کرک و مو بافته اند مگر اینکه خداوند نام اسلام را در آن وارد می کند»!

و نیز در کتاب «اکمال الدین» «صدوق» از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه چنین نقل شده: «و الله ما نزل تاویلها بعد و لا ینزل تاویلها حتی یخرج القائم فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله العظیم» «به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که «قائم» خروج کند و به هنگامی که اقامت کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۷۴

نخواهد ماند».

احادیث دیگری نیز به همین مضمون از پیشوایان اسلام نقل شده است. گروهی از مفسران نیز این تفسیر را ذیل آیه ذکر کرده اند. ولی تعجب آور این است که نویسندگان «المنار» نه تنها در اینجا تفسیر فوق را نپذیرفته بلکه به تناسب وارد بحث پیرامون احادیث مهدی (علیه السلام) شده، و با تعصب خاصی که در برابر شیعه دارد و به هربهانه ای از حملات ناجوانمردانه فروگذار نمی کند به کلی احادیث مربوط به «مهدی» را انکار کرده و آنها را متضاد! و غیر قابل قبول شمرده است! به گمان این که عقیده به وجود مهدی تنها مربوط به شیعه و یا آنها که به تشیع تمایل دارند می باشد! و از این گذشته اعتقاد به وجود مهدی را عاملی برای رکود و عقب ماندگی

شمرده است.

به همین دلیل ناگزیریم - به طور کاملاً فشرده بحثی در زمینه روایات مربوط به ظهور مهدی (علیه السلام) و بحثی هم پیرامون آثار این عقیده در پیشرفت جامعه اسلامی و مبارزه با ظلم و فساد ایراد کنیم، تا روشن شود هر گاه پای تعصب به میان آید علم و دانش از در دیگر فرار خواهد کرد و مفسر نامبرده با این که اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در مسائل اسلامی دارد اما به خاطر این نقطه ضعف (تعصب شدید) چگونه بعضی از حقائق روشن را وارونه دیده است!

روایات اسلامی پیرامون ظهور مهدی (علیه السلام)

گرچه کتابهای فراوانی به وسیله دانشمندان اهل سنت، و علمای شیعه پیرامون احادیث مربوط به قیام مهدی نوشته شده است، ولی به عقیده ما چیزی گویاتر و در عین حال فشرده‌تر از نامه‌ای که گروهی از دانشمندان «حجاز» در پاسخ یکی از سؤال کنندگان فرستاده‌اند نیست، لذا عین ترجمه آن را ذیلاً از نظر

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۷۵

خوانندگان محترم می‌گذرانیم.

اما قبلاً یادآور می‌شویم که:

روایات مربوط به قیام مهدی (علیه السلام) چنان است که هیچ محقق اسلامی پیرو هر یک از گروهها و مذاهب باشد نمی‌تواند «تواتر» آن را انکار کند. تا کنون کتابهای زیادی در این زمینه نوشته شده و نویسندگان آنها متفقا صحت احادیث مربوط به مصلح جهانی یعنی «مهدی (علیه السلام)» را پذیرفته‌اند تنها افراد بسیار معدودی مانند «ابن خلدون» و «احمد امین مصری» در صدور این اخبار از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تردید کرده‌اند و قرائنی در دست داریم که انگیزه آنها در این کار ضعف اخبار نبوده بلکه فکر می‌کردند روایات مربوط به «مهدی» (علیه السلام) مشتمل بر مسائلی است که به سادگی نمی‌توان آنها را باور کرد، یا بخاطر اینکه احادیث درست از نادرست را نتوانسته‌اند جدا کنند یا تفسیر آن را در نیافته‌اند. در هر صورت لازم است قبل از هر چیز سؤال و جوابی را که اخیراً از طرف «رابطة العالم الاسلامی» که زیر نفوذ افراطی ترین جناحهای اسلامی «یعنی وهابیان» قرار دارد، نشر یافته، از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم، تا

روشن شود مسئله ظهور مهدی (علیه السلام) در میان مسلمانان قولی است که جملگی بر آنند و به عقیده ما مدارک لازم در این رساله کوتاه آنچنان جمع آوری شده که هیچ کسی را یارای انکار آن نیست، و اگر وهابیان سختگیر نیز در برابر آن تسلیم شده‌اند بهمین دلیل است.

در حدود یک سال قبل شخصی به نام «ابو محمد» از «کنیا» سوالی درباره ظهور «مهدی منتظر (علیه السلام)» از «رابطه العالم الاسلامی» کرده دبیر کل «رابطه» یعنی «محمد صالح القزاز» در پاسخی که برای او فرستاده است ضمن تصریح به این که «ابن تمیة» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی (علیه السلام)

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۷۶

را پذیرفته، متن رساله‌ای را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند برای او ارسال داشته است. در این رساله پس از ذکر نام حضرت مهدی (علیه السلام) و محل ظهور او یعنی مکه چنین می‌خوانیم:

«... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی (علیه السلام) جهان را پر از عدل و داد می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است...

و آخرین «خلفای راشدین دوازده گانه» است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر از آنها در کتب «صحاح» داده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده‌اند از جمله:

عثمان ابن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحة ابن عبید اله، عبد الرحمن ابن عوف، قرة ابن اساس مزنی، عبد الله ابن حارث، ابو هریره، حذیفة ابن یمان، جابر ابن عبد الله، ابو امامه، جابر ابن ماجد، عبد الله ابن عمر، انس ابن مالک، عمران ابن حصین، و ام سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده‌اند و غیر از آنها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند.

سخنران فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن بحث از ظهور مهدی (علیه السلام) به میان آمده که آنها را نیز می‌توان در ردیف روایات پیامبر (صلی

الله علیه و آله و سلم) قرار داد.

زیرا این مسئله از مسائلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی پیرامون آن گفت (بنابر این آنها نیز طبعاً این مطلب را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده‌اند).

سپس اضافه می‌کند:

هم احادیث بالا که از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده و هم شهادت و گواهی صحابه

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۷۷

که در اینجا در حکم حدیث است در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث اعم از «سنن» و «معاجم» و «مسانید» آمده است. از جمله.

سنن ابو داود، سنن ترمذی، ابن ماجه، ابن عمرو الدانی، مسند احمد و ابن یعلی، و بزاز، و صحیح حاکم، و معاجم طبرانی (کبیر و متوسط) و رویانی، و دارقطنی، و ابو نعیم در «اخبار المهدی» و خطیب در تاریخ بغداد، و ابن عساکر در تاریخ دمشق، و غیر اینها.

بعد اضافه می‌کند:

بعضی از دانشمندان اسلامی در این زمینه کتابهای مخصوصی تألیف کرده‌اند از جمله:

«ابو نعیم» در «اخبار المهدی»، «ابن حجر هیثمی» در «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر»، «شوکانی» در «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح»، «ادریس عراقی مغربی» در کتاب «المهدی»، «ابو العباس ابن عبد المؤمن المغربی» در کتاب «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون».

و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی نگاشته مدیر دانشگاه اسلامی مدینه است که در چندین شماره در مجله دانشگاه مزبور بحث کرده است.

باز اضافه می‌کند:

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث در زمینه مهدی در سر حد تواتر است (و به هیچ وجه قابل انکار نیست) از جمله:

«السخاوی» در کتاب «فتح المغیث»، «محمد ابن احمد سفاوینی»
در «شرح العقیده»، «ابوالحسن الابری» در «مناقب الشافعی»،
«ابن تیمیه» در کتاب فتاوایش، «سیوطی» در «الحاوی»،
«ادریس عراقی» در تالیفی که در زمینه

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۷۸

مهدی دارد، «شوکانی» در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر»... «محمد جعفر کنانی» در «نظم التناثر»، «ابوالعباس ابن عبد المؤمن» در «الوهم المکنون...»
در پایان بحث می‌گوید: (تنها) ابن خلدون است که خواسته احادیث مربوط به مهدی را با حدیث بی‌اساس و مجعولی که می‌گوید: «لامهدی الا عیسی»
«مهدی جز عیسی نیست»، مورد ایراد قرار دهد، ولی بزرگان پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را رد کرده‌اند، به‌خصوص «ابن عبد المؤمن»
که در گفتار او کتاب ویژه‌ای نوشته است که سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته.
حفاظ احادیث و بزرگان دانشمندان حدیث نیز تصریح کرده‌اند که احادیث مهدی (علیه‌السلام) مشتمل بر احادیث «صحیح» و «حسن» است و مجموع آن متواتر می‌باشد.
بنابر این اعتقاد به ظهور مهدی (بر هر مسلمانی) واجب است، و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می‌شود و جز افراد نادان و بیخبر یا بدعتگذار آن را انکار نمی‌کنند!

مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی
محمد منتصر کنانی

اثرات سازنده انتظار ظهور مهدی (علیه‌السلام)

در بحث گذشته دانستیم که این عقیده در تعلیمات اسلامی جنبه وارداتی ندارد.
بلکه از قطعیت‌ترین مباحثی است که از شخص پایه‌گذار اسلام گرفته شده، و عموم فرق اسلامی در این زمینه متفقند و احادیث در این زمینه متواتر می‌باشد.

اکنون به سراغ پی آمدهای این انتظار در وضع کنونی جوامع اسلامی

برویم و ببینیم آیا ایمان به چنین ظهوری انسان را چنان در افکار رؤیائی فرو می‌برد که از وضع موجود خود غافل می‌گردد و تسلیم هر گونه شرائطی می‌کند؟

و یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟

آیا ایجاد تحرک می‌کند یا رکود؟

آیا مسئولیت آفرین است یا مایه فرار از زیر بار مسئولیتها؟!

و بالاخره آیا مخدر است یا بیدار کننده؟

ولی قبل از توضیح و بررسی این سئوالات توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن این که سازنده‌ترین دستورات و عالی‌ترین مفاهیم هرگاه بدست افراد نا وارد یا نالایق یا سوء استفاده چی بیفتد ممکن است چنان مسخ شود که درست نتیجه‌ای بر خلاف هدف اصلی بدهد و درمسیری بر ضد آن حرکت کند و این نمونه‌های بسیار دارد و مسئله انتظاربطوری که خواهیم دید در ردیف همین مسائل است.

بهر حال برای رهائی از هر گونه اشتباه در محاسبه در این گونه مباحث باید به اصطلاح آب را از سرچشمه گرفت تا آلودگیهای احتمالی نهرها و کانالهای میان راه در آن اثر نگذارد.

یعنی ما در بحث «انتظار» مستقیماً به سراغ متون اصلی اسلامی رفته و لحن گوناگون روایاتی را که روی مسئله انتظار تاءکید می‌کند مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم.

اکنون با دقت به این چند روایت توجه کنید:

۱ - کسی از امام صادق (علیه السلام) پرسید چه می‌گوئید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟

امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود: هو بمنزلة من كان مع القائم في فسطاطه - ثم سكت هنيئة - ثم قال هو كمن كان مع رسول الله!

«او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در «مبارزاتش» همراه بوده است.»

عین این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است.

۲ - در بعضی «بمنزلة الضارب بسيفه في سبيل الله»: «همانند شمشیر زنی در راه خدا»،

۳ - و در بعضی دیگر «کمن قارع مع رسول الله بسيفه»: «همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد»!

۴ - در بعضی دیگر «بمنزلة من كان قاعدا تحت لواء القائم»: «همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد».

۵ - و در بعضی دیگر «بمنزلة المجاهد بين يدي رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)»: «همانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند»

۶ - و بعضی دیگر «بمنزلة من استشهد مع رسول الله»: «همانند کسی است که با پیامبر شهید شود».

این تشبیهات هفتگانه که در مورد انتظار ظهور مهدی (علیه السلام) در این شش روایت وارد شده روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه میان مسئله «انتظار» از یک سو، و «جهاد» و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود از سوی دیگر وجود دارد (دقت کنید).

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۱

۷ - در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است.

این مضمون در بعضی از احادیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و در بعضی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده است، در حدیثی می خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عز و جل»:

«بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است»

و در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم «افضل العبادة انتظار الفرج»

این حدیث اعم از اینکه انتظار فرج را به معنی وسیع کلمه بدانیم یا به مفهوم

خاص یعنی انتظار ظهور مصلح بزرگ جهانی باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می‌سازد. این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه تواءم با یک جهاد وسیع و دامنه‌دار است این را در نظر داشته باشید تا به سراغ مفهوم انتظار رفته سپس از مجموع آنها نتیجه گیری کنیم.

مفهوم انتظار

«انتظار» معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. فی‌المثل بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می‌کوشند. همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرونشستن

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۲

بحران اقتصادی می‌باشد این دو حالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنابر این مسئله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است، عنصر نفی و عنصر «اثبات» عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است. و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه‌دار حلول کند سرچشمه‌دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد.

این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگیهای جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر.

و خوب که دقت کنیم می‌بینیم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

با توجه به مفهوم اصلی «انتظار» معنی روایات متعددی که در بالادرباره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی درک می‌شود. اکنون می‌فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کسانی شمرده شده‌اند که در

خیمه حضرت مهدی (علیه السلام) یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیر می زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است. آیا اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟ یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است انتظار و خود سازی و آمادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر «مقدمات» و «نتیجه» شباهت دارد، هر دو جهادند

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۳

و هر دو آمادگی می خواهند و خود سازی، کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است، نمی تواند یک فرد غافل و بیخبر و بی تفاوت بوده باشد، آنجا جای هر کس نیست، جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند.

همچنین کسی که سلاح در دست دارد در برابر رهبر این انقلاب بامخالفان حکومت صلح و عدالتش می جنگد آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد.

برای آگاهی بیشتر از اثرات واقعی انتظار ظهور مهدی به توضیح زیر توجه کنید:

انتظار یعنی آماده باش

کامل من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است؟.

من اگر آلوده و ناپاکم چگونه می توانم منتظر انقلابی باشم که شعله اولش دامن آلودگان را می گیرد؟

ارتشی که در انتظار جهاد بزرگی است آمادگی رزمی نفرات خود را بالامی برد و روح انقلابی در آنها می دمدمد و هر گونه نقطه ضعفی را اصلاح می کند.

زیرا چگونگی «انتظار» همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم.

انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر .
انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز.
انتظار فرارسیدن فصل چیدن میوه از درخت و درو کردن محصول.
هر یک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است، در یکی باید خانه را آماده کرد و وسائل پذیرائی فراهم ساخت، در دیگری ابزار لازم، وداس و کمباین و...

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۴

اکنون فکر کنید آنها که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می کشند درواقع انتظار انقلاب و دیگر گونی و تحولی را دارند که وسیعترین و اساسی ترین انقلابهای انسانی در طول تاریخ بشر است.
انقلابی که بر خلاف انقلابهای پیشین جنبه منطقه ای نداشته بلکه هم عمومی و همگانی است و هم تمام شئون و جوانب زندگی انسانها را شامل می شود، انقلابی است سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی.

نخستین فلسفه - خودسازی فردی

چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند، و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است. تنگ نظریها، کوتاه بینیها، کج فکریها، حسادتها، اختلافات کودکانه و نابخردانه و بطور کلی هر گونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست.
نکته مهم این است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی تواند نقش تماشاچی را داشته باشد باید از هم اکنون حتما در صف انقلابیون قرار گیرد.

ایمان به نتایج و عاقبت این تحول هرگز به او اجازه نمی دهد که در صف مخالفان باشد و قرار گرفتن در صف موافقان نیز محتاج به داشتن اعمالی پاک و روحی پاکتر و برخورداری از شهامت و آگاهی کافی است.
من اگر فاسد و نادرستم چگونه می توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچگونه نقشی ندارند بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روز شماری کنم.

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگیها کافی نیست؟

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۵

ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می برد حتما به حالت آماده باش کامل در می آید سلاحی را که برای چنین میدان نبردی شایسته است بدست می آورد، سنگرهای لازم را می سازد. آمادگی رزمی افراد خود را بالا می برد. روحیه افراد خود را تقویت می کند و شعله عشق و شوق برای چنین مبارزه ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می دارد ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی برد و اگر بگوید دروغ می گوید. انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان است. فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است.

اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانیها شوخی نیست کار ساده ای نمی تواند باشد، آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد! برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست ناپذیر، فوق العاده پاک و بلند نظر، کاملا آماده و دارای بینش عمیق لازم است.

و خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق ترین برنامه های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی آیا هیچکس می تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست؟ فلسفه دوم آخودیارهای اجتماعی منتظران راستین در عین حال وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند بلکه مراقب حال یکدیگر باشند، و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست،

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۶

برنامه ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند، باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد، کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد، و

عمیق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی هیچ فردی نمی تواند از حال دگران غافل بماند بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید، و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه ای امکان پذیر نیست.

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر اینکه به اصلاح خویش می کوشند وظیفه خود می دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

این است اثر سازنده دیگری برای انتظار قیام یک مصلح جهانی و این است فلسفه آن همه فضیلتها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

فلسفه سوم - منتظران راستین در فساد محیط حل نمی شوند

اثر مهم دیگری که انتظار مهدی دارد حل نشدن در مفاسد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگیها است.

توضیح این که هنگامی که فساد فراگیر می شود و اکثریت یا جمع کثیری را به آلودگی می کشاند گاهی افراد پاک در یک بنبست سخت روانی قرار می گیرند، بنبستی که از یاس اصلاحات سرچشمه می گیرد.

گاهی آنها فکر می کنند کار از کار گذشته و دیگر امیدی به اصلاح نیست، و تلاش و کوشش برای پاک نگاهداشتن خویش بیهوده است، این نومیدی و یاس ممکن است آنها را تدریجا به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوائی بدانند!

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۷

تنها چیزی که می تواند در آنها امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند امید به اصلاح نهائی است، تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران بر نخواهند داشت.

و اگر می بینیم در دستورات اسلامی یاس از آمرزش یکی از بزرگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد تعجب کنند

که چرایاس از رحمت خدا اینقدر مهم تلقی شده، حتی مهمتر از بسیاری از گناهان، فلسفه‌اش در حقیقت همین است که گناهکار مایوس از رحمت، هیچ دلیلی نمی‌بیند که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد، و منطق او این است اکنون که آب از سر من گذشته است چه یک‌قامت چه صد‌قامت؟ من که رسوای جهانم غم دنیا هیچ است!، بالاتر از سیاهی رنگ دیگر نباشد، آخرش جهنم است، من که هم اکنون آنرا برای خود خریده‌ام دیگر از چه می‌ترسم؟! و مانند این منطقها...

اما هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود، امید به عفو پروردگار، امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او خواهد شد و او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می‌کند.

به همین دلیل امید را می‌توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی درمورد افراد فاسد شناخت همچنین افراد صالحی که در محیطهای فاسد گرفتارند، بدون امید نمی‌توانند خویشان را حفظ کنند.

نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می‌شود امید ظهورش بیشتر می‌گردد اثر فزاینده روانی در معتقدان دارد، و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کند آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مایوس

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۸

نمی‌شوند بلکه به مقتضای «وعدۀ وصل چون شود نزدیک آتش عشق تیزتر گردد» وصول به هدف را در برابر خویش می‌بینند و کوشششان برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشان با شوق و عشق زیادتری تعقیب می‌گردد. از مجموع بحثهای گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که اثر تخییری انتظارتنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ یا تحریف شود - همانگونه که جمعی از مخالفان، تحریفش کرده‌اند و جمعی از موافقان مسخش - اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود یک عامل مهم تربیت و خود سازی و تحرک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تایید می‌کند این است که درذیل آیه (وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض ...)

خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند وعده داده است که حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از این آیه «هو القائم واصحابه»: مهدی و یاران او هستند. و در حدیث دیگری می خوانیم: (نزلت فی المهدی): این آیه درباره مهدی (علیه السلام) نازل شده است.

در این آیه مهدی و یارانش به عنوان (الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات) آنها که ایمان و عمل صالحی دارند معرفی می شده اند، بنابراین تحقق این انقلاب جهانی بدون یک ایمان مستحکم که هر گونه ضعف و زبونی و ناتوانی را دور سازد، و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید امکان پذیر نیست.

و آنها که در انتظار چنین برنامه ای هستند هم باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در اصلاح اعمال خویش بکوشند.

تفسیر نمونه جلد ۷ صفحه ۳۸۹

تنها چنین کسانی هستند که می توانند نوید همگامی در حکومت او بخود دهند نه آنها که با ظلم و ستم همکاری دارند، و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه اند نه افراد ترسو و زبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می ترسند.

و نه افراد سست و بی حال و بیکاره ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفسد محیط و جامعه شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاش و کوششی در راه مبارزه با فساد ندارند. این است اثر سازنده قیام مهدی در جامعه اسلامی.

